



بررسی تطبیقی خودشیفتگی از منظر روان‌شناسی و روایات معصومان (علیهم‌السلام) با تأکید بر روایات امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام)

دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۸ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۹

علیرضا ذوالفقاری^۱، حسن رضا خلجی^۲

چکیده

اختلال شخصیت خودشیفته شامل ویژگی‌ها و رفتارهایی همچون خودنمایی، خیال‌پردازی، خود بزرگ‌بینی، نیاز به تحسین شدن، فقدان همدلی، خودفروبی و فقدان عزت نفس است. این پژوهش تلاش می‌کند ضمن ارائه نتایج بررسی این اختلال در آموزه‌های اسلامی و روش‌های درمانی آن، میزان هم‌گرایی یافته‌های روان‌شناسی با این آموزه‌ها را مشخص کند. در این زمینه، چپستی، سبب‌شناسی و ملاک‌های تشخیصی این اختلال در اسلام و روان‌شناسی مد نظر است و در نهایت، پژوهش تطبیقی بین آن‌ها صورت می‌گیرد. این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی است و به همین منظور بعد از تعیین ویژگی‌های این افراد بر اساس تحقیقات روان‌شناختی، کلمات معادل آن در روایات را جست‌وجو کردیم. در روایات معصومان (علیهم‌السلام) خودشیفتگی با واژه‌هایی همچون تکبر، فخر فروشی، عُجب، تعصب و غیرت کاذب مطرح و بحث شده است. این صفات بروز رفتارهایی همچون خیال‌پردازی‌های بی‌انتها، خودستایی و خودفروبی، درک نکردن واقعیت، انتقادناپذیری، رشد نیافتگی، فقدان روابط اجتماعی، حسادت و ورزی و طلبکاری را موجب می‌شود که هم‌پوشانی زیادی با شخصیت خودشیفته از دیدگاه روان‌شناسی دارد؛ ولی تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد و در روایات معصومین (علیهم‌السلام) ویژگی‌ها و پیامدهای آن کامل‌تر و دقیق‌تر توضیح داده شده است. در پایان، علت اصلی اختلال خودشیفتگی که جهالت به خداوند و خود است و روش درمان این بیماری را مطرح کرده‌ایم تا نشان دهیم با تکیه بر روایات معصومان (علیهم‌السلام) می‌توان به تشخیص و درمان این اختلال شخصیتی پرداخت.

کلیدواژه‌ها: اختلالات شخصیت، روان‌شناسی، خودشیفتگی، روایات معصومان (علیهم‌السلام).

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران (نویسنده مسئول): alirezazolfaghari44@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و حقوق، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران: 1342khalajji@gmail.com

مقدمه

صفات شخصیت هر کس الگوهای دیرپای ادراک، ارتباط و تفکر درباره خود و دنیای اطراف هستند که در طیف وسیعی از موقعیت‌های فردی و اجتماعی مشاهده می‌شوند. صفات شخصیتی فقط هنگامی بیانگر اختلال شخصیت هستند که انعطاف‌ناپذیر و ناسازگار بوده و باعث تخریب چشمگیر عملکرد فرد یا ناراحتی فرد شوند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲: ۱۲).

در اختلالات شخصیت ویژگی‌های زیر مشاهده می‌شود:

روش‌های غیرعادی در تفسیر رویدادها، نوسانات رفتاری غیر قابل پیش‌بینی، رفتارهای بی‌پروای ناگهانی و بدون تفکر قبلی؛

رفتارهای دایمی و ثابت که از انتظارات جامعه فاصله زیادی دارد؛

نقص در عملکردهای اجتماعی و شغلی؛

این رفتارها و ویژگی‌ها ریشه در نوجوانی و اوایل بزرگسالی دارند (گنجی، ۱۳۹۳: ۲۱۱).

اختلالات شخصیت بر اساس پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف. اختلالات شخصیت پارانوئید، اسکیزوئید و اسکیزوتایپ که رفتارهای عجیب و غریب و نامتعارف دارند مثل بددلی و کناره‌گیری از جمع؛

ب. اختلالات شخصیت ضداجتماعی، مرزی، نمایشی و خودشیفته که رفتارهای نمایشگرانه، آشفته و غیرقابل پیش‌بینی دارند. مثل فیلم بازی کردن برای جلب توجه یا آزار دادن دیگران؛

ج. اختلالات شخصیت دوری‌جو، وابسته و وسواسی که ویژگی مشترک آن‌ها نگرانی و دلوپسی است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا^۱، ۱۳۹۶: ۶۸۴).

1. Schultzs and schultzs

2. American psychiatric association

خداوند در قرآن کریم شخصیت را با مفهوم شاکله معرفی و خود را به عنوان خالق هستی، دارای آگاهانه‌ترین دیدگاه به شخصیت‌های رشدیافته و دارای اختلال معرفی می‌کند (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰) و می‌فرماید: بگوهر کس بر اساس نیت و عادات کسب‌شده خود عمل می‌کند و پروردگار به کسی که راه یافته است، داناتر است (اسراء، ۸۴). با توجه به این که صفات شخصیت، تعیین‌کننده افکار و رفتار افراد است، شناخت ویژگی‌های شخصیتی افراد و به خصوص افراد خودشیفته که بر اساس پژوهش‌های روان‌شناسان بین مردم یک درصد شیوع دارد، می‌تواند در شناخت این اختلال و چگونگی تعامل با مبتلایان بسیار موثر باشد.

دلایل اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش به قرار زیر است:

وجود شواهد قرآنی و روایی مبنی بر وجود افراد خودشیفته و این که آن‌ها دارای اختلال فکری هیجانی و رفتاری هستند.

آثار تخریبی این اختلال که بیشترین آثار تخریبی‌اش مربوط به روابط بین فردی است و بیش از خود شخص، افراد مرتبط را درگیر و دچار مشکلات می‌سازد (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

این افراد چون خود را از همه مردم کامل‌تر و بی‌عیب و نقص می‌دانند، به هیچ وجه دنبال درمان مشکل خود نیستند. پس شناخت این افراد می‌تواند به شکل‌گیری ازدواج سالم و پایدار و دوام خانواده کمک کند.

چون رفتارهای همراه با غرور و تکبر این افراد ممکن است توسط دیگران تقلید شود و هم‌نشینی با آن‌ها یکی از عوامل انتقال به دیگران است، پس لازم است این اختلال بهتر و دقیق‌تر شناسایی و معرفی شود.

همه انسان‌ها از جمله افراد خودشیفته باید ضمن شناخت شخصیت واقعی خود، به اصلاح و درمان ویژگی‌های منفی خود پردازند، چنان که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرمایند: به‌درستی که شما به کسب ادب و [اصلاح رفتارهای تان] محتاج‌تر هستید

تا کسب طلا و نقره. یعنی با وجود این که ارزشمندترین عنصر مادی جهان طلا و نقره است؛ اما آن حضرت، کسب صفات حسنه و برطرف کردن صفات ناپسند را لازم‌تر و ارزشمندتر می‌دانند. این بررسی اولین تحقیقی است که درمان این اختلال را با توجه به روایات امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را مطرح می‌کند. از آن جا که این اختلال نسبتاً شایع است، شناخت درمان آن از دیدگاه ایشان ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین، با توجه به این که دربارهٔ شخصیت خودشیفته در روایات بحث مستقل و مشخصی وجود ندارد و در این زمینه پژوهش کافی انجام نشده، لازم است مفاهیم و آموزه‌های پراکنده در روایات معصومان (علیهم السلام) بررسی، استخراج و مفهوم‌سازی شود تا عامهٔ مردم با ویژگی‌های آن آشنا شوند و با بررسی و آگاهی لازم و در نهایت، با الهام‌گیری از این تطبیق زندگی سعادت‌مند و رشدیافته‌ای را برای خود بسازند.

۱. بیان مسئله

گرچه بعضی افراد تا حدی شیفتهٔ ویژگی‌های شخصیتی خود هستند و آن را در رفتار و گفتار خود آشکار می‌سازند؛ اما اگر این خودشیفتگی رفتار بارز و برجستهٔ آن‌ها باشد، شخصیت خودشیفته دارند. خداوند در قرآن کریم افراد خودشیفته را این گونه معرفی می‌کند: آیا کسی که (در عین آگاهی به این که معبود حقیقی خداوند است) خواسته‌های نامشروع خود را معبود خویش قرار داده و خداوند (به کیفر این کار ظالمانه) او را از علم و آگاهی در گمراهی واگذاشته و به گوش و دلش مهر عدم درک حقایق زده و بر چشمش پرده‌ای کشیده است، بعد از خداوند چه کسی او را هدایت می‌کند؟ آیا هشیار نمی‌شوید؟ (جاثیه، ۲۳)

هوای نفس را معبود خود قرار دادن سبب می‌شود که افراد خودشیفته بدون تأمل و بررسی این موضوع که آیا آنچه دلشان و هوای نفس‌شان طلب می‌کند، شایسته است یا خیر؟ از خواستهٔ دل بیمار خود اطاعت کنند. در نتیجه، آن‌ها هواهای نفسانی را به عنوان مقصد اصلی زندگی قرار می‌دهند و حاضر نیستند کوچک‌ترین تاملی دربارهٔ تفکر و ویژگی‌های شخصیتی خود داشته باشند و به همین دلیل روز به روز و هر چه بیشتر به انحطاط اخلاقی نزدیک‌تر می‌شوند.

امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) سیمای متکبران را این‌گونه معرفی می‌کند: موجب سرکشی، ستم و فساد در زمین می‌شوند؛ عامل فریب و هلاکت دیگران و خود می‌شوند؛ سبب جنگ و خون‌ریزی است؛ انکار نعمت‌های خداوند و نازیدن به اصل و نسب را به دنبال دارد و موجب آمیخته‌شدن حق با باطل و ریشه همه گناهان و انحرافات است (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). از بررسی منابع و متون دینی استنباط می‌شود که خودشیفتگی با مفاهیم تکبر، عجب، تعصب کاذب و استکبار معرفی و مطرح شده است.

با توجه به این‌که روان‌شناسان، شخصیت را شامل تعدادی صفت می‌دانند که این صفات شخصیتی بادوام و فراگیر شخص رفتار، احساسات و افکار افراد را تعیین می‌کند، پس برای درک مفهوم شخصیت نیاز است ویژگی‌های شناختی عاطفی افراد بررسی و تبیین شود. هرچند غالب افراد از نظر صفات شخصیتی و عملکرد فردی اجتماعی سالم و بهنجار هستند؛ اما افرادی مشاهده می‌شود که از لحاظ شناخت، احساسات و عملکردهای میان‌فردی و کنترل هیجانات دچار اختلال هستند. این اختلالات در روان‌شناسی به نام اختلالات شخصیت توصیف و دسته‌بندی می‌شوند. افراد دارای اختلال شخصیت و به‌خصوص افراد خودشیفته، رفتارهایی از قبیل انعطاف‌ناپذیری، خود بزرگ‌بینی، نیاز به تعریف و تمجید دیگران، خیال‌بافی و... دارند که هم برای خودشان و هم برای دیگران مشکلات فراوانی ایجاد می‌کند. این پژوهش تلاش می‌کند ضمن ارائه نتایج بررسی اختلال شخصیت خودشیفته در آموزه‌های اسلامی میزان هم‌گرایی یافته‌های روان‌شناسی با این آموزه‌ها را ارزیابی و برآورد کند. به همین منظور، ضروری است به چپستی، سبب‌شناسی، ملاک‌های تشخیصی و پیامدهای این اختلال در اسلام و روان‌شناسی توجه شود و در پایان تطبیقی بین آن‌ها صورت گیرد. برای طرح بحث بعد از این‌که به پیشینه پژوهش اشاره کردیم، ابتدا یافته‌های پژوهشی روان‌شناسان را تبیین و آن‌گاه نتایج حاصل از بررسی مفاهیم اسلامی را ارائه می‌کنیم و با مشابه آن در روان‌شناسی تطبیق می‌دهیم. همچنین با توجه به این‌که شناخت این اختلال هم به پیشگیری از بروز آن و هم به چگونگی تعامل با این افراد و درمان کمک خواهد کرد، روش‌های درمانی اسلام در پایان مطرح و توضیح داده شده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی انجام شده دو پژوهش در این خصوص یافت شد:

پژوهش فقیهی و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان «اختلال شخصیت خودشیفته از منظر قرآن و حدیث» که بعد از معرفی ویژگی‌های افراد خودشیفته از دیدگاه روان‌شناسی به بررسی ویژگی‌های شخصیتی افراد خودشیفته در آموزه‌های اسلامی پرداخته و شواهد و دلایل قرآنی برای چگونگی شکل‌گیری آن را توضیح داده‌اند.

پژوهشی با عنوان «مفهوم‌شناسی تطبیقی خودشیفتگی از منظر منابع اسلامی» توسط رئیسی و همکاران (۱۳۹۸) که بعد از معرفی ملاک‌های تشخیصی اختلال شخصیت خودشیفته، خودشیفتگی را از منظر قرآن کریم و روایات به اختصار بررسی کرده‌اند.

با توجه به این که درباره این اختلال شخصیتی به شکل تطبیقی و درمان آن از دیدگاه امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) تحقیقی انجام نشده انجام این تحقیق ضروری به نظر می‌رسد.

۲. اختلال شخصیت خودشیفته در روان‌شناسی

ویژگی‌های اصلی شخصیت خودشیفته تخمین بالاتر از واقعیت توانایی‌های خود، بزرگ‌تر دانستن موفقیت‌های خود از آنچه که هست و نیاز به تحسین دیگران در همه چیز است (گنجی، ۱۳۹۲: ۲۵۳). برای تشخیص این اختلال، فرد باید پنج مورد یا بیشتر از ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

احساس خود بزرگ‌بینی به صورت مهم پنداشتن خود. مثلاً درباره دستاوردها و استعدادهای خود اغراق می‌کند یا بدون داشتن موفقیت چشمگیری دوست دارد دیگران او را آدم بزرگ و مهمی بدانند.

اشتغال ذهنی و خیال‌پردازی درباره موفقیت، قدرت، هوش و زیبایی.

او معتقد است فردی خاص و بی‌همتاست و فقط افراد خاص یا عالی‌رتبه قادر به درک و معاشرت با او هستند.

نیاز افراطی به تحسین شدن.

احساس صاحب حق بودن.

در روابط با دیگران فردی استثمارگر است و از دیگران سوءاستفاده می‌کند.

اغلب به دیگران حسادت می‌ورزد یا عقیده دارد که دیگران به او حسادت می‌کنند.

رفتارها یا نگرش پر نخوت و متکبرانه نشان می‌دهد (هالچین و ویتبورن، ۱۳۹۳: ۳۱۰).

۲-۱. ویژگی‌های شخصیتی افراد خودشیفته بر اساس آموزه‌های اسلامی

۲-۱-۱. خیال‌پردازی‌های واهی بی‌انتهای

این افراد اموال، توانایی‌ها و ویژگی‌هایی را برای خود در نظر می‌گیرند و توصیف می‌کنند که بیشتر خیال است تا واقعیت. در آیه ۱۷ سوره مائده، خداوند ادعای یهود و نصاری را که خود را فرزندان و محبوبان خدا می‌دانستند، رد می‌کند و می‌فرماید شما بشری از جنس بقیه مخلوقات هستید. امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: خدا رحمت کند کسی را که همواره اغراض دنیایی را از سر دور کند، با خواسته‌های دل مبارزه کند، آرزوهای دروغین را طرد کند و استقامت را مرکب نجات خود قرار دهد (نهج البلاغه، خطبه ۷۶). همچنین می‌فرماید: بدانید که آرزوهای دور و دراز عقل را غافل و موجب فراموشی یاد خدا می‌شود. آرزوهای ناروا فریبی هستند که صاحب خود را فریب داده‌اند (همان، خطبه ۸۶).

افراد خودشیفته ویژگی‌ها و توانایی‌های اندک خود را بسیار بیشتر از آنچه هست می‌پندارند و گاهی اوقات صفاتی را برای خود در نظر می‌گیرند که در حقیقت فاقد آن صفات هستند و در خیال خود، خویش را شخصیتی بی‌نظیر و منحصر به فرد به حساب می‌آورند.

۲-۱-۲. خودستایی و خودفریبی

در سوره کهف، آیات ۱۰۳-۱۰۴ خداوند می‌فرماید: آیا شما را از افرادی که زیانکارند آگاه کنم؟ آنان که کوشش‌هایشان در زندگانی دنیا تباه شده است ولی خودشان گمان

می‌کنند که نیکوکارند. از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که به حضرت عیسی (علیه‌السلام) عرض شد: ای روح‌الله احمق چه کسی است؟ ایشان فرمودند: احمق کسی است که تنها به رأی خود و شخص خود عقیده دارد و تمام فضیلت‌ها را تنها برای خود می‌داند و چیزی را بر خلاف رأی خود قبول ندارد. حق را به‌طور کامل برای خود می‌شمارد و هیچ حقی برای دیگران بر خود روا نمی‌داند و این همان احمقی است که راهی برای درمان او نیست (مفید، ۱۴۱۴ق: ۱۲۱).

امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: ای مردم تاج‌های فخر و برتری جویی را بر زمین نهید (نهج البلاغه، خطبه ۵) و تاج تواضع بر سر نهید و خود برتری‌بینی را زیر پا افکنید و حلقه‌های زنجیر تکبر را از گردن فرو نهید (همان، خطبه ۱۹۲).

۲-۱-۳. نداشتن درک صحیح از واقعیت

افراد خودشیفته شناخت صحیحی از خود، توانایی‌ها و نیازهای واقعی‌شان ندارند (تمیمی آمدی، ۱۳۸۸: ۸۳). چنان‌که امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند که خودپسندی ضد واقع‌بینی و آفت خیر است.

این افراد از درک واقعیت‌ها، صفات و نقاط قوت و ضعف خود ناتوان هستند و عقل را که چراغ روشن‌گر تشخیص حقیقت است چون به کار نمی‌گیرند، هوش آن‌ها روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شود و رو به تباهی می‌رود.

آن‌ها هیچ‌گونه حق و حقیقتی را که جایگاه‌شان را در معرض خطر قرار دهد یا نشان‌دهنده معایب آن‌ها و برتری دیگران باشد نمی‌پذیرند، فرق نمی‌کند آن حق را خودشان فهمیده باشند، یا این‌که فرد دیگری آن را گفته باشد (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

۲-۱-۴. انتقاد ناپذیری و خود بزرگ‌بینی

افراد خودشیفته عموم مردم را افرادی عادی می‌بینند که شباهتی به آن‌ها ندارند (هود، ۲۷). اگر مجبور به همنشینی با مردم شوند آن‌ها را پایین‌تر از خود پنداشته

و از این مصاحبت ابراز نارضایتی می‌نمایند که این بینش آن‌ها ناشی از نداشتن شناخت صحیح از خودشان است، چنان‌که امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: خرده‌گیری انسان از خویشتن و کارهای خود دلیل بر قوت عقل و گواهی بر فزونی فضل اوست و خودپسندی انسان دلیل بر نقص و ضعف عقل اوست (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۵۷).

همچنین آن حضرت درباره این‌گونه افراد می‌فرماید: از انسان متکبری که در گذشته نطفه‌ای بد بو بوده و در آینده مرداری متعفن است، تعجب می‌کنم (تمیمی آمدی، ۱۳۸۸: ۵۷۹). راستی وقتی انسان ابتدا و انتهایش معلوم است، چه جای تکبر و خودشیفتگی دارد؟

عزت نفس آسیب‌پذیر مبتلایان باعث می‌شود آن‌ها به آسیب ناشی از مورد انتقاد قرار گرفتن یا تحقیر شدن از سوی دیگران خیلی حساس باشند. اگرچه ممکن است در ظاهر نشان ندهند، اما انتقاد از آن‌ها باعث می‌شود که برنجند و احساس پستی، سرافکندگی، پوچی و تهی‌بودن کنند و در نتیجه واکنشی توأم با تکبر، خشم یا مقابله به مثل نشان دهند (انجمن روان پزشکی آمریکا، ۱۳۹۳: ۶۲۵).

۲-۱-۵. رشد نیافتگی

افراد خودشیفته به دلیل خود برتربینی و کوچک و حقیر دیدن دیگران همیشه از ابعاد مختلف علمی، مهارتی و اخلاقی از دیگران عقب‌ترند و چون خود را در هر زمینه‌ای صاحب‌نظر و عقل کل می‌دانند، حتی ممکن است اندیشه‌های نادرست و افکار بی‌ارزش خود را سنجیده و عالمانه تلقی کنند و دیگر دنبال کسب کمالات نباشند. چنان‌که امام علی (علیه‌السلام) در حکمت ۱۶۷ می‌فرمایند: خودپسندی مانع ترقی و رشد است.

امام هادی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: خودشیفتگی مانع تحصیل علم است و انسان را به نادانی و خواری می‌کشاند (مجلسی، ج ۷۲: ۱۹۹).

۲-۱-۶. فقدان روابط اجتماعی سازنده

این افراد با وجود نیاز زیاد به جلب توجه و محبت دیگران، توانایی برقراری روابط اجتماعی با دیگران را ندارند؛ زیرا خود را برتر از همه می‌دانند و در روابط با دیگران تنها

هدفشان استثمار دیگران و استفاده ابزاری از آنهاست. دوستی و رابطه‌شان با انسان‌ها تنها تا زمانی ادامه می‌یابد که نفعی عایدشان شود. امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: بدترین تنهایی و وحشت خودبینی و خودپسندی است.

«وحشت» در لغت هم به معنای تنهایی آمده است و هم به معنای ترس و ناراحتی ناشی از آن. به‌یقین افراد خود بزرگ‌بین، دوستان خود را به‌زودی از دست می‌دهند؛ زیرا مردم حاضر نیستند زیر بار چنین افراد خودبین و خودخواهی بروند و به این ترتیب آن‌ها در زندگی تنهای تنها می‌مانند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۲۵۷).

۲-۱-۷. حسادت ورزی

خودشیفته‌ها افراد حسودی هستند که چشم دیدن دیگران، به‌خصوص افراد مهم‌تر و رشدیافته‌تر را ندارند. امام علی (علیه‌السلام) حسد را دشمن ایمان می‌داند و می‌فرماید: حسد نورزید که حسد ایمان شما را چونان آتشی که هیزم را خاکستر می‌کند نابود می‌کند. با یکدیگر دشمنی و کینه‌توزی نداشته باشید که نابودکننده هر چیزی است (نهج البلاغه، خطبه ۸۶). همچنین ایشان حسادت را غفلت از سلامت خود دانسته و نوعی بیماری می‌دانند. شگفتا که حسودان از سلامتی خود غفال مانده‌اند (همان، حکمت ۲۲۶).

۲-۱-۸. طلبکار بودن از دیگران

خودشیفته‌ها انتظار دارند که همه مردم خدمتکار و مطیع آن‌ها باشند و بدون هیچ پرسشی خواسته‌های آن‌ها را برآورده سازند. قرآن کریم با بیانی زیبا می‌فرماید: البته گمان مکن کسانی که به سبب کارهایشان شادمان هستند و دوست دارند به‌خاطر آنچه انجام نداده‌اند، ستایش شوند از عذاب خدا در امان‌اند! آری برای آنان عذاب دردناکی خواهد بود (آل عمران، ۱۸۸).

آن‌ها چون خود را همیشه به بی‌عیب و گل سرسبد اجتماع می‌پندارند، توقع دارند دیگران به آن‌ها احترام بگذارند و در خدمت آن‌ها باشند. به همین دلیل، دوستان و آشنایان از آن‌ها ناراحت و خشمگین هستند. امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: خودپسند مباش؛

زیرا افراد زیادی از تو ناراضی خواهند شد و محصول خودشیفتگی، خشم و کینه دیگران است (نهج البلاغه، حکمت ۶). آن‌ها ممکن است انتظار داشته باشند که در بدو ورود به جلسه‌ای با سروصدای زیاد استقبال شوند و چنانچه دیگران به داشته‌های آن‌ها چشم ندوخته باشند، شگفت‌زده می‌شوند. آن‌ها ممکن است با چرب‌زبانی زیاد، مدام در پی صید تحسین باشند. احساس محق بودن در آن‌ها به این صورت آشکار می‌شود که به صورتی غیرمنطقی انتظار دارد دیگران رفتاری بی‌نهایت مودبانه با وی داشته باشند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۶: ۷۰۹).

۲-۲. پیامدهای خودشیفتگی

۲-۲-۱. فخر فروشی و مباهات بر دیگران

امام حسین (علیه‌السلام) می‌فرمایند: دو چیز مردم را هلاک و بیچاره می‌گرداند. یکی ترس از این که مبادا در آینده فقیر و نیازمند شوند و دیگری فخر کردن و مباهات بر دیگران (مجلسی، ج ۷۵: ۵۴).

امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: شیطان بر آدم (علیه‌السلام) به جهت خلقت او از خاک، فخر فروخت و با تکیه به اصل خود که از آتش است دچار تعصب و غرور شد. پس شیطان دشمن خدا و پیشوای متعصبین و سر سلسله متکبران است که اساس عصیّت را بنا نهاد. آیا نمی‌نگرید که خدا به خاطر خود بزرگ‌بینی، او را کوچک ساخت؟ و به جهت بلندپروازی او را پست و خوار گردانید؟ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

آن‌ها اغلب نگرش‌های فخر فروشان، تحقیرآمیز یا ارباب منشانه را به نمایش می‌گذارند. مثلاً فرد مبتلا به این اختلال ممکن است درباره گستاخی یا حماقت یک خدمتکار دست و پا چلفتی شکایت کند یا با ارزیابی تحقیرآمیز از یک پزشک، درباره معاینه پزشکی وی نتیجه‌گیری نماید (هالجین و ویتبورن^۱، ۱۳۹۴: ۳۱۰).

1. Halgin and whitbourne

۲-۲-۲. حرکت به سوی جهالت و خواری

امام هادی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: خودشیفتگی مانع تحصیل علم است و موجب تحقیر شدن و ماندن در جهالت و نادانی (مجلسی، ج ۷۲: ۱۹۹).

حضرت علی (علیه‌السلام) در خطبه قاصعه می‌فرمایند: کسانی که شیطان را یاری و تصدیق کردند و می‌کنند فرزندان خودپسندی، برادران تعصب و خودخواهی و سواران مرکب جهالت و خودپرستی هستند. در نتیجه، آن حضرت، شیطان را سر سلسله متکبران معرفی و افراد خودشیفته را افراد جاهل و خواری می‌داند که تابع شیطان هستند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۲-۲-۳. دوری از خداوند

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: در آنچه خداوند متعال به حضرت داوود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) وحی کرده است «ای داود! همان طوری که نزدیک‌ترین مردم به خداوند انسان‌های متواضع هستند، دورترین مردم از خداوند نیز انسان‌های متکبر هستند» (کلینی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۲۳).

امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: تواضع و فروتنی را سنگر میان خود و شیطان و لشکریانش قرار دهید؛ زیرا شیطان از هر گروهی لشکریان و یارانی سواره و پیاده دارد. و شما همانند قابیل نباشید که به برادرش تکبر کرد خدا او را برتری نداد، خویشتن را بزرگ می‌پنداشت و حسادت او را به دشمنی واداشت. تعصب آتش کینه را در دلش شعله‌ور کرد و شیطان باد کبر و غرور در دماغش دمید (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۲-۲-۴. هلاکت و نابودی

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرمایند: سه چیز است که انسان را هلاک می‌کند؛ بخلی که انسان از آن پیروی کند، هوای نفس که شخص در برابر آن تسلیم شود و خودخواهی و خودشیفتگی انسان به خودش (حر عاملی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۰۱). امام صادق (علیه‌السلام) نیز فرموده‌اند: کسی که گرفتار خودشیفتگی شود هلاک می‌شود (کلینی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۳۱۳).

امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: خدا را! خدا را! از تکبر و خودپسندی، از تفاخر جاهلی بر حذر باشید که جایگاه بغض، کینه و رشد و سوسه‌های شیطانی است که ملت‌های گذشته و امت‌های پیشین را فریب داده است، تا آن‌جا که در تاریکی‌های جهالت فرو رفتند و در پرتگاه هلاکت سقوط کردند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۲-۲-۵. قضاوت متعصبانه و مطلق‌گرایی

از پیامدها و آثار خودشیفتگی قضاوت متعصبانه و مطلق‌گرا بودن است به خود و آنچه به خود مربوط می‌شود. در روایتی که مرحوم شیخ کلینی از حضرت علی (علیه‌السلام) نقل می‌کند، بیان شده که خودشیفتگی بر چهار شعبه است: تکبر، فخر، غیرت کاذب و نابجا و تعصب جاهلانه. هر کس خود را بالا ببیند به حق پشت می‌کند و هر کس فخر کند به فسق و فجور مبتلا می‌شود و هر کس غیرت کاذب نشان دهد بر گناهان اصرار می‌ورزد و هر کس تعصب جاهلانه به خرج دهد ظلم می‌کند. و چه بد چیزی است در پل صراط کاری که بین پشت کردن به حق و فسق و فجور و اصرار بر گناهان و ظلم باشد (کلینی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۳۹۴).

آن‌ها فقط به شرطی روابط دوستانه یا عاشقانه برقرار می‌کنند که این احتمال وجود داشته باشد که طرف مقابل به پیشبرد مقاصد آنان کمک کند یا به طریقی دیگر عزت نفس آن‌ها را افزایش دهد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۶: ۷۰۹).

۲-۲-۶. آشکار شدن عیوب

بر اثر ابتلا به اختلال خودشیفتگی، عیوب انسان آشکار می‌شود و کم‌کم فرد به بدی‌ها و گناهان روی می‌آورد. در این باره امام علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: بر اثر خودشیفتگی و خشنودی از خود، بدی‌ها و عیب‌ها آشکار می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۱).

۲-۲-۷. غفلت از گناه

خودشیفتگی سبب غفلت و فراموشی از عیوب و گناهان می‌شود یا فرد آن‌ها را کوچک و ناچیز می‌شمارد. شخص گرفتار این بیماری هرگز حاضر نیست از دیگران سؤالی بپرسد

یا مشورتی بگیرد. بدون داشتن آگاهی لازم در همه امور اظهار نظر می‌کند و خود را در تمامی زمینه‌ها صاحب نظر و بالاتر از بقیه می‌پندارد. این موارد باعث می‌شود که فرد رشد نکند، در غفلت و بی‌خبری بماند و نتواند خطاها و گناهان خود را تشخیص داده و از آن‌ها دوری کند (مجلسی، ج ۷۲: ۳۱۶).

۲-۲-۸. تنفر عمومی

خودشیفته‌ها افراد از خودراضی هستند که هرگز عیوب خود را نمی‌بینند. آن‌ها همیشه خود را وظیفه‌شناس، بی‌عیب و گل سرسبد اجتماع می‌پندارند و به‌همین دلیل توقع دارند که دیگران به آن‌ها احترام بگذارند و در خدمت آن‌ها باشند. به‌همین دلیل، اطرافیان از آن‌ها ناراحت و خشمگین می‌شوند و به آن‌ها بی‌اعتنایی می‌کنند. امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: خودپسند مباش، زیرا دیگران از تو خیلی زیاد ناراضی و ناراحت خواهند شد (نهج البلاغه، حکمت ۶).

۲-۳. علل خودشیفتگی

بزرگان معرفت و اخلاق علت اصلی خودشیفتگی را جهالت برشمرده و اکتساب معرفت را تنها راه درمان این بیماری ذکر کرده‌اند (فیض کاشانی، ج ۶: ۲۷۷). در عین حال، این عالمان اخلاق، علل و انگیزه‌های فرعی مختلفی نیز برای آن بیان کرده‌اند (همان: ۲۷۶) که می‌توان گفت آن‌ها در حکم میانجی یا واسطه‌هایی تلقی می‌شوند که جهالت فرد خودشیفته در قالب یک یا چند مورد از آن‌ها تبلور پیدا می‌کند. برخی از این میانجی‌ها عبارت است از: الف. جمال و زیبایی ب. قدرت و توانایی پ. هوش و عقل ت. نسب و خاندان ث. انتساب به قدرتمندان و حاکمان ج. زیادی فرزندان چ. مال و ثروت ح. فکر و اندیشه (همان: ۲۸۲-۲۸۷). ذکر علت و اسباب این اختلال از آن جهت ضروری است که برای درمان باید با علل و ریشه‌ها مبارزه کرد نه با معلول.

۲-۴. درمان

در روایات معصومان (علیهم‌السلام) درمان و معالجه این بیماری به دو صورت عام و خاص مطرح

و توضیح داده شده است. مقصود از درمان عام، درمانی است که درمان این اختلال را در همه اقسامش با هر علتی هدف قرار داده و کارایی دارد و منظور از درمان اختصاصی درمان خودشیفتگی با توجه به علت آن است.

۲-۴-۱. درمان عام

چنان‌که گفته شد، بزرگان اخلاق اصلی‌ترین سبب خودشیفتگی را جهالت دانسته‌اند؛ بنابراین، راه درمان آن را هم معرفت ذکر کرده‌اند: معرفت به خداوند متعال و معرفت به خود. بدین شکل که انسان پروردگار خود را بشناسد و بداند که عظمت، کمال و عزت سزاوار غیر او نیست و خود را نیز بشناسد و بداند که بدون تکیه بر خداوند متعال از هر ذلیلی ذلیل‌تر است. بزرگی برانده کسی است که وجود همه موجودات مستند به اوست و کمالات دیگران همه پرتوی از آن کمال مطلق است. پس اگر کسی بزرگی کند باید به واسطه پروردگار خود بزرگی کند و اگر به چیزی فخر و مباهات کند، به آفریدگار خود افتخار کند و خود را حقیر و ناچیز بداند.

امیرمؤمنان (علیه‌السلام) خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: و اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خودبزرگ بینی شدی، به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از حکومت توست نگاه کن، تا تو را از آن سرکشی نجات دهد و تندروی تو را فرونشاند، و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی بازگرداند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). اگر انسان در عظمت و بزرگی پروردگار و در کوچکی و ضعف خود بیندیشد، دیگر جایی برای رسوخ صفت خودشیفتگی در روحش باقی نمی‌ماند. آری انسان همیشه باید در نظر داشته باشد که او از نطفه‌ای بدبو و پست آفریده شده و بعد از مرگ، بدنش می‌گندد و از بوی تعفنش همه بیزار و فراری هستند و زندگی چیزی جز فاصله بین این دو نیست. نه خبر دارد که بر سرش چه می‌آید و نه می‌داند که چه آفات و بیماری‌هایی در کمینش است. نه قدرتی دارد که خیری را به سوی خود بکشد یا شری را از خود دفع نماید. پس چنین موجودی چگونه سزاوار خودشیفتگی است؟

۲-۴-۲. درمان خاص

منظور از درمان خاص یا تفصیلی آن است، انسانی که به بیماری خودشیفتگی مبتلاست و از آن رنج می‌برد، بررسی کند که چه عاملی سبب خودشیفتگی او شده، بر روی آن تمرکز کند و به درمان خود بپردازد. اگر به سبب جمال و زیبایی که از آن برخوردار است، دچار این بیماری شده باید به این موضوع بیندیشد که این زیبایی به زودی در معرض زوال است و با کوچک‌ترین بیماری یا عبور از جوانی و رسیدن پیری از بین خواهد رفت و مرگی که همه آن را خواهند چشید، این زیبایی را تباه می‌کند. چنان که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) درباره مردگان می‌فرماید: اگرچه آثارشان نابود و اخبارشان فراموش شده، اما چشم‌های عبرت‌بین آن‌ها را می‌نگرد و با گوش جان اخبارشان را می‌شنود که با زبان دیگری با ما حرف می‌زنند و می‌گویند: چهره‌های زیبا، پژمرده و بدن‌های نازپرورده پوسیده شد و بر اندام خود لباس کهنگی پوشانده‌ایم و تنگی قبر، ما را در فشار گرفته، وحشت و ترس را از یکدیگر به ارث برده‌ایم. خانه‌های خاموش قبر بر ما فرو ریخته و زیبای‌های اندام ما را نابود و نشانه‌های چهره‌هایمان را درگون کرده است (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۱). اگر انسان به خاطر قدرت و توانایی اش دچار خودشیفتگی شده است، باید همواره به یاد داشته باشد که چه‌بسا بیماری بر او مسلط و قدرتش ضعیف شود. یا اگر قدرتش ناشی از موقعیت اجتماعی اوست، باید در نظر داشته باشد که این قدرت همیشگی نبوده و رو به زوال است و گرنه از قدرتمندان پیشین به او نمی‌رسید. چنان که حضرت علی (علیه السلام) دربارهٔ مردگان مدفون در قبرستان فرموده‌اند: برخی از آن‌ها دارای عزتی پایدار و درجات والای افتخار بودند. پادشاهان حاکم، یا رعیت سرافراز بودند که سرانجام به درون برزخ راه یافتند و زمین آن‌ها را در خود گرفت و از گوشت بدن‌های آن‌ها خورد و از خون آنان آشامید، پس در شکاف گورها بی‌جان و بدون حرکت پنهان مانده‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۱)، اما اگر خودشیفتگی به سبب عقل و زیرکی انسان باشد، پس باید توجه کند که انسان عاقل پیرامون صفت خودشیفتگی نمی‌گردد و این صفت حکایت از نادانی صاحبش دارد. باید فکر و ذهن خود را خطا و اشتباه‌پذیر بداند و به رأی و نظر خویش مطمئن و مغرور نشود و بداند که خودشیفتگی باعث هلاکت آدمی می‌شود و آنچه باعث هلاکت شود، عقل نبوده، بلکه نادانی و جهل است. چنان که امیر مؤمنان (علیه السلام) فرموده‌اند: عقل هدایت می‌کند و انسان را نجات می‌دهد و نادانی

انسان را گمراه و هلاک می‌گرداند (تمیمی آمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۶). نیز روایت شده که شخصی از امام صادق (علیه‌السلام) پرسید: عقل چیست؟ ایشان فرمودند: چیزی است که به وسیله آن خداوند رحمان پرستش و بهشت به دست می‌آید (کلینی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۱). مطابق این روایت، کسی که به علت هوش و عقل خودشیفته شده، باید دریابد که آنچه در او به عنوان عقل خودنمایی می‌کند، نمایش عقل است، چون پایان عقل ورود به بهشت است و پایان خودشیفتگی جهنم و عذاب‌های آن.

۳. نتیجه‌گیری

آنچه در روان‌شناسی به نام خودشیفتگی مطرح شده، در تعلیمات اسلامی با مفاهیم تکبر، عجب، فخر فروشی، تعصب و غیرت کاذب معرفی شده است. در این بررسی، هشت ویژگی اصلی اختلال خودشیفتگی که در پژوهش‌های روان‌شناسان مطرح شده بود، در روایات اسلامی یافته و درباره آن‌ها بحث شد که نشان داد هم‌پوشانی و هم‌راستایی زیادی این اختلال شخصیتی از منظر روایات با معادل روان‌شناختی خود دارد و ویژگی برجسته و اصلی مبتلایان به این اختلال که داشتن توجه و علاقه افراطی به نیازها، تمایلات و باورهای خود است سبب می‌شود فرد در حد ستایش و پرستش خود پیشروی کند و حتی به شخصیت، حقوق، دیدگاه‌ها و باورهای دیگران توهین و تجاوز نماید. ویژگی‌هایی مثل نداشتن درک صحیح از واقعیت، رشد نیافتگی و جمع‌آوری ثروت و قدرت مختص آموزه‌های روایی است و در روان‌شناسی به آن اشاره‌ای نشده است. درباره پیامدهای این اختلال با وجود هم‌پوشانی در روایات اسلامی با دیدگاه روان‌شناسی، ویژگی‌های حرکت به سوی جهالت و خواری، دوری از خداوند، هلاکت و نابودی و غفلت از گناه خاص دیدگاه اسلامی است و در مجموع در روایات معصومین (علیهم‌السلام) این اختلال شخصیتی دقیق‌تر و کامل‌تر بحث شده است. از دیدگاه امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) خودشیفتگی ممکن است آن قدر قوی باشد که فرد مبتلا بدون بررسی این نکته که آیا آنچه هوای نفس و دلشان طلب می‌کند، مناسب است یا خیر، از خواسته دل بیمار خود اطاعت کند و هواهای نفسانی را به عنوان دلبهر و مقصد اصلی زندگی قرار دهد و حاضر نباشد دقیقه‌ای درباره نادرست بودن تفکر خود بیندیشد.

از منظر روایات با توجه به این که این اختلال آسیب و آثار مخرب اجتماعی و فردی فراوانی از قبیل قضاوت متعصبانه، تحصیل نکردن علم، تنفر عمومی، غفلت از گناهان، خشمگین شدن خداوند متعال، از بین رفتن پاداش اعمال خوب و در نهایت، هلاکت را به دنبال دارد، شایسته است که افراد در صورت مشاهده این ویژگی‌ها در خود، در جست‌وجوی درمان باشند. با توجه به این که علت اصلی این بیماری جهالت به خداوند و خود ذکر شده و از میانجی‌هایی همچون جمال و زیبایی، قدرت و توانایی، نسب و خاندان و مال و ثروت و ... به عنوان اسباب استفاده می‌کند، درمان آن کسب معرفت است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم. ترجمه حسین انصاریان.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا. (۱۳۹۶). راهنمای تشخیص و آماری اختلال‌های روانی (ویراست پنجم). ترجمه رضاعی، فردین و همکاران. تهران: انتشارات ارجمند.
- (۱۳۹۳). راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (ویراست چهارم). ترجمه آوادیس یانس، هاماک و همکاران. تهران: انتشارات رشد.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۸۱). غرر الحکم و درر الکلم. ترجمه راشدی، لطیف و راشدی، سعید. قم: انتشارات پیام علمدار.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- رئیس، زهره؛ سپهوند، اصغر؛ بدری‌زاه، افسانه؛ تات، مریم. (۱۳۹۸). «مفهوم‌شناسی تطبیقی خودشیفتگی از منظر منابع اسلامی و روان‌شناسی». سومین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در اختلال و تربیت، مناسبات دین و روان‌شناسی. تهران مهر ۱۳۹۸.
- شولتز. دوان و شولتز، سیدنی. (۱۳۹۲). نظریه‌های شخصیت (ویراست دهم). ترجمه یحیی محمدی. تهران: انتشارات ویرایش.
- فقهی، زهرا؛ حاجی اسماعیلی، محمد رضا؛ نشاط دوست، حمید طاهر؛ مطیع، مهدی. (۱۳۹۵). «اختلال شخصیت خودشیفته از منظر قرآن و حدیث». پژوهش دینی. شماره ۳۳. صص: ۱۱۹-۱۴۱.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (بی‌تا). المحجة البیضا فی تهذیب الاحیاء. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۵ق). اصول کافی. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. بیروت: دارالاضواء.
- گنجی، مهدی. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی روانی بر اساس DSM5. جلد دوم. تهران: انتشارات ساوالان.
- مجلسی، محمد باقر. (بی‌تا). بحار الانوار. بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۶۳). میزان الحکمة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۹۰). پیام امام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام). چاپ سوم. قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه‌السلام).
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). الاختصاص. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری. محمود زرنندی. بیروت: انتشارات دارالمفید.
- نراقی، ملا احمد. (بی‌تا). معراج السعاده. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- هالچین، ریچارد و ویتبورن، کراس. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی روانی: دیدگاه‌های بالینی درباره اختلالات روانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. جلد دوم. تهران: انتشارات روان.